

## زیویه (۲)

کاوشهای سال ۱۳۷۴

نوشته: نصرت الله معتمدی

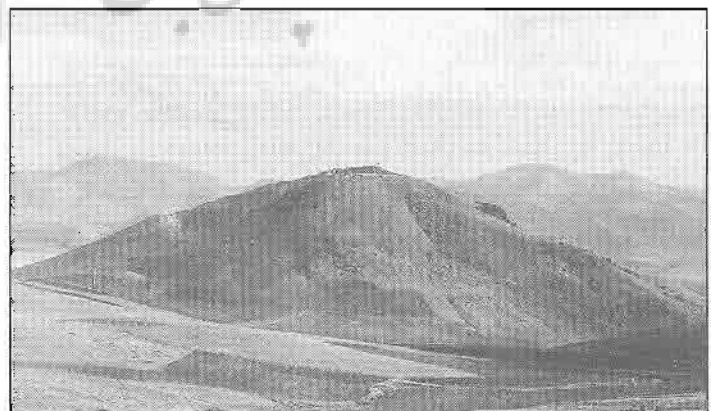
با ایجاد سکوهایی جدید در حقیقت به دو هدف نایل آمده‌اند، اول جلوگیری از تخریب ساخت و سازهای قبلی و دیگر پرسیاختن فضاهای خالی و دور از دسترس دشمن قرار دادن قلعه می‌باشد. سکوهایی جدید، پشت بندها و دیوارهای جدید همگی باید قبل از سال ۶۵۰ و با زمان یورش اقوام سیت و سکایی ساخته شده باشد، چراکه آثار سوختگی و یا آتش سوزی نسبتاً عظیمی در اغلب نقاط قلعه به خصوص بر روی دیوارهای تالار ستون دار دیده می‌شود، در لابلاهی دیوارهای سوخته که بعدها تعمیر شده و اندودی جدید بر روی آنها کشیده‌اند، ناوکهای منهدم، درون لایه سوخته دیوارها به دست آمد که به سکائیان تعلق پیدا می‌کند.

به طور کلی سکوهایی که پس از ساخت و ساز اصلی قلعه به وجود آمده عموماً خشکه چین بوده و دقتی در قرار دادن ردیف‌های خشت، به کار نرفته و معمولاً خشته نامنظم و گاه با چین و شکن بر روی هم قرار گرفته‌اند و یا در قسمت‌هایی زباله و خاک را هم در لایه‌های خشته‌ها به کار برده‌اند. سکوهایی ساخته شده برخلاف ساخت و سازهای اولیه دارای بر یا نمایی نامرتب بوده و چون با اندودی که بر روی دیوارهای اصلی قرار گرفته، قادر نبوده‌اند ساخت و سازهای جدید را سامان بخشند و ظاهری متوازن به آن بدهند، خصوصاً در قسمت‌های داخلی بنا که در معرض دید ساکنین قلعه قرار داشته است، از این رو این بخشها را با یک ردیف سنگ لاشه در تمامی سطح دیوار آنرا یکنواخت ساخته‌اند.

کف حیاط فوق‌الذکر هم با سنگ مغروش شده و در وسط این محوطه چاهی است که با لاشه سنگ پر شده است و انتهای چاه که عمق آن بیش از دو متر است به شکل کانالی تا صخره‌های جنوبی ادامه پیدا می‌کند. چاه و کانال صرفاً به منظور انتقال آبهای حاصل از باران و برفهای زمستانی ساخته شده است.

گوشه شمال غربی حیاط محوطه‌ای است که با تیغه‌ای یک خشتی به وجود آمده و درون آن چند اجاق برای پخت و پز ایجاد شده است. از این فضا که دارای طولی حدود ۳۰۰ سانتیمتر و عرضی بین ۲۰۰ تا ۲۴۰ سانتیمتر است به عنوان آشپزخانه استفاده کرده‌اند. ورودیه‌ای با عرض ۵۵ سانتیمتر که در جبهه شرقی آن ایجاد شده این فضا را به حیاط مرتبط می‌سازد.

در ماههای شهریور تا اواسط آبان ماه در دو بخش شرقی و غربی از تالار ستون دار زیویه عملیات کاوش ادامه پیدا کرد. بخش شرقی، در تختگاه میانی و در محلی که طی سال ۱۳۵۷ یک حیاط با ابعاد  $۹۸۰ \times ۸۸۰$  سانتیمتر کشف شده بود آغاز گردید. در گوشه شرقی این حیاط ورودیه‌ای است که به واسطه پایان فصل کاوش در آن سال موفق به گشودن آن نشدیم. در جبهه غربی ورودیه‌ای دیگر ساخته شده که جانب راس تپه و تالار ستون دار گشوده شده است. این مطلب حایز اهمیت است که غالب زوایای فضاهای ساخته شده در زیویه قائمه نبوده و در عین حال طول و عرضهای مقابل هم یکسان ساخته نشده‌اند. این ناهمگونی شاید بواسطه نبودن زمینهای مسطح و ایجاد فضای درون سکوهایی عظیم و مرتفع خشتی بوده است. ضمناً باید توجه داشت که معمار و طراح قلعه اجباراً باید خود را با شرایط طبیعی محیط و خصوصاً صخره‌های متعددی که از هر گوشه سر برآورده‌اند تطبیق داده باشد. افزون بر این، تمامی تأسیسات اولیه قلعه دچار رانش شده و مقداری به سمت شمال شرق تپه رانده شده است. این لغزش و سر خوردن باید دوبار در زمان حیات قلعه صورت گرفته باشد و هر بار تدابیری جهت تثبیت سکوها و تأسیسات ساخته شده بر آنها به کار برده‌اند. از جمله تعمیر آثار خراب شده، کشیدن دیوارهای جدید، زدن پشت بندها و در نهایت احداث سکوهایی جدیدی است که فاصله‌های موجود بین سکوهایی اولیه را بسا آنها ساخته‌اند. دلایل متعدد در این مورد وجود دارد، از آن جمله شکستگی در دیوار جنوبی تالار ستون است که برای استحکام بخشی به این دیوار و جلوگیری از انهدام کامل آن، دیواری با جرزهای متعدد با قطر ۱۸۰ تا ۲۰۰ سانتیمتر در جلو آن ساخته‌اند و با بالا آوردن کف تالار و انتقال پایه ستونها به سطح جدید به تحکیم آن پرداخته‌اند. این عمل به شکل‌هایی دیگر در جای جای قلعه زیویه جلوه‌گر است، از آن جمله وجود دیوارهای پشت بند در قسمت‌های مختلف ارگ قلعه و همچنین ایجاد سکوهایی جدید در فاصله سکویی که تأسیسات اصلی قلعه بر بلندای آنها استوار شده است.



سقفی تشکیل شده از تیرهای چوبی و حصیری که با کاه گل پوشیده شده بر روی آن فضا قرار داشته است. سر تیرها بر روی تیغه جنوبی و دیوار شمالی حیاط و در ارتفاع ۲۱۰ سانتیمتری از کف بوده است. آثار این پوشش به شکل حفره‌هایی در دیوارهای مورد بحث دیده می‌شود.

در گاه شرقی با اختلاف سطحی حدود ۲۵ سانتیمتر و بالاتر از کف حیاط به پله‌ای عریض و ساخته شده از سنگهای لاشه منتهی می‌گردد. آنچه در مورد پله‌های زیویه باید گفته شود آن است که پیوسته طول آنها تابع شرایط طبیعی زمینی است که بر روی آن قرار دارد. از آن جمله در نقاطی که پله بر صخره استوار است گاه سطح آنرا بیش از شش متر هم با شیبی ملایم ادامه داده‌اند، در این مورد برای دستیابی بر ارتفاع مطلوب، سطح پله را با شیبی حساب شده به ردیف پایین‌تر منتهی ساخته‌اند. پله‌های اول و دوم که جلو درگاه ساخته شده دارای ۱۲۰ سانتیمتر طول و سومین ردیف دارای ۱۴۰ سانتیمتر طول می‌باشند. دو سوی پله‌ها، دیواری است که فاصله آنها کمی بیشتر از شش متر است. قسمت شمالی این محوطه، همجوار با درگاه، محوطه‌ای است که صرفاً می‌تواند محلی برای حراست از دروازه ورودی ارگ قلعه باشد. این فضا ۳۸۰ سانتیمتر طول و ۲۵۰ سانتیمتر عرض دارد. سکویی خشتی با ارتفاع ۶۰ سانتیمتر و عرضی بین ۵۰ تا ۹۰ سانتیمتر در پای دیوارهای شرقی، شمالی و غربی آن ساخته شده است. این سکو می‌تواند محلی برای نشستن و بار یافتن مدعوین و یا مراجعه کنندگان به قلعه باشد. در وسط این فضا اجاقی است برای افروختن آتش و گرم ساختن نگهبانان و مراجعه کنندگان به ارگ قلعه.

چهارمین ردیف از پله‌ها دارای ۳۸۰ سانتیمتر طول می‌باشد. یکی از پدیده‌های بدیع در معماری زیویه که صرفاً هم به این محل و معماری خاص آن اختصاص پیدا کرده، وجود پایه ستونهایی است که در سطح پاره‌ای از پله‌ها به صورت قرینه کار گذاشته شده است. باید به این مطلب توجه داشت که به کار بردن پایه ستون در پله‌ها در سایر آثار بجا مانده از این دوره تاکنون دیده نشده است. طراح و سازنده قلعه پله‌ها را در نقاطی که پله به فضاهای مسکونی منتهی شده، قرار داده است.



سکویی از فضاهای مسکونی

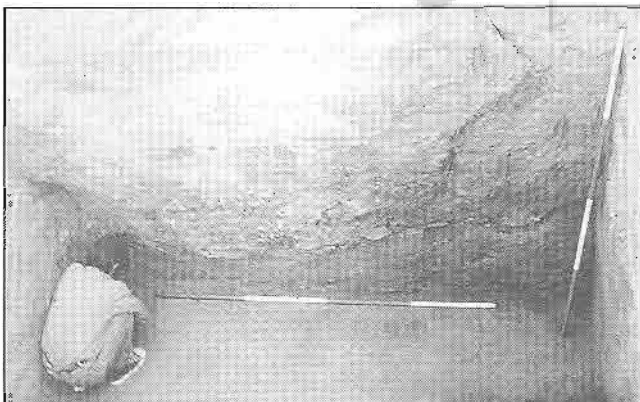
بر روی سومین ردیف از پله‌ها، دو عدد از این پایه‌ها که متناسب با آن فضا بوده و از تراش ظریف هم برخوردار نیست قرار دارد. پنجمین پله با ۴۰۰ سانتیمتر طول که از ابتدای آن دیوار جنوبی ۳۰ سانتیمتر با گوشه‌ای عقب‌تر نشسته قرار دارد فاصله آن با دیوار شمال به ۶۸۰ سانتیمتر رسیده است.

در زیر دیوار جنوبی پی سنگی هم سطح با کف پله خود نمایی می‌کند که بیانگر وجود صخره هم سطح با کف پله می‌باشد. براساس شیوه معماری در زیویه پیوسته دیوارها را بر پی سنگی قرار داده‌اند. سطح این پله نسبتاً بهم ریخته و قسمتی از سنگفرش کف آن از بین رفته است. دو پایه ستون، که اولی در قسمت شمال غرب این سطح و در جای اصلی خود می‌باشد، دیده می‌شود. اما دومین پایه به نقطه‌ای پایین‌تر از محل اصلی خود منتقل شده است.

دیوار جبهه جنوبی به تدریج ارتفاع خود را از دست داده و در شیب تپه محو می‌شود ولی دیوار جبهه شمالی تغییر مسیر داده و با زاویه‌ای بازتر از قائمه به سمت شمال شرقی تپه ادامه پیدا می‌کند.

سطوح پایین و در ادامه پندها آثاری از پله‌های بعدی به شکل نوده‌هایی از سنگ خود نمایی می‌کند که در ابتدای پیچش دیوار شمالی قطع شده و بقیه مسیر را صرفاً با سنگ فرش به تأسیسات ایجاد شده در تختگاه اول که در ارتفاع پنجاه متری از زمینهای مجاور تپه است متصل می‌سازد.

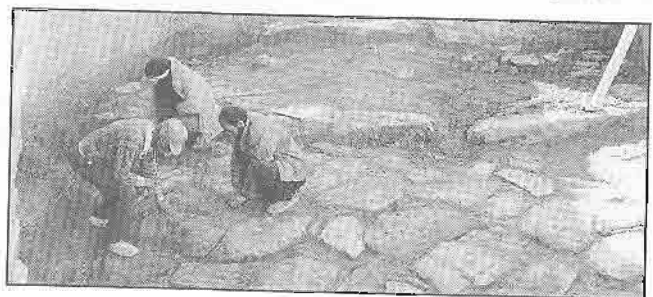
در سمت شمالی پله‌ها و حیاطی که وصف آن گذشت اتاقهایی در سکویی با طول و عرض ۱۸×۳۰ متر به وجود آورده‌اند. همان طور که در گزارش پیشین از زیویه عنوان شده است<sup>(۱)</sup> سکوهایی خشتی را جهت رعایت مسایل تدافعی و ارتفاع بخشی به بنا ساخته‌اند. در هنگام ساخت و ساز دو هدف مختلف را هم مد نظر قرار داده‌اند. اول صرفه جویی در مصالح دوم به وجود آوردن فضاهایی که از آنها بتوان به عنوان انباری و سیلو استفاده نمود. به این منظور آنچه که در سکوهایی خشتی ساخته شده مکانهایی است دقیقاً مخفی از دید بینندگان خارج از قلعه. آنچه را که در این محوطه به وجود آورده‌اند مجموعه شش اتاق است که با ورودیه‌هایی پنج باب از آنها به همدیگر متصل شده اند و تنها ششمین اتاق است که با اتاق‌های مجاور خود از سمت غرب و یا شمال مرتبط نمی‌شود.



اتاقها عموماً دارای ابعاد مختلف بوده و بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ سانتیمتر طول و ۳۵۰ تا ۵۰۰ سانتیمتر عرض می‌باشند. در مورد کاربری دو اتاق از جبهه شمالی قبلاً توضیح داده شده است. سومین اتاق در این قسمت قلعه عزیزترین اتاق این مجموعه است و با درگاهی به عرض ۱۱۵ سانتیمتر به اتاق مجاور خود راه پیدا می‌کند.

اولین اتاق از جبهه جنوبی، فضایی است با ابعاد ۴۹۰ در ۴۴۰ سانتیمتر این اتاق دارای دو درگاهی است که در جبهه‌های شمالی و شرقی آن قرار دارد. در جبهه غربی اشکافی است که بعدها و پس از ایجاد سکوی جدید که قبلاً در مورد چگونگی ساخت و ساز آن توضیح داده شد، عمیق‌تر شده و دقیقاً تا بر سکوی جدید پیش رفته است. دومین اتاق از این جبهه ۵۱۰ سانتیمتر طول و ۴۲۰ سانتیمتر عرض دارد. در هنگام ساخت و ساز اولیه، ورودیه‌ای با عرض ۱۲۰ سانتیمتر و طول ۲۶۰ سانتیمتر آن را به اتاق مجاور از سمت غربی خود متصل می‌سازد. ولی شواهد موجود نشان داد که از همان ابتدا، درگاه مسدود شده و از فضای فوق‌الذکر به عنوان مزبله یا آشغال دانی استفاده شده است. احتمالاً از فضای بالایی آن به شکلی نسبتاً محدود به عنوان آبریزگاه استفاده کرده باشند. در ارتفاع ۵۸۰ سانتی از کف در دیواره‌های شمالی و جنوبی جای تیرپوش سقف به خوبی مشاهده می‌شود. اتاقهای اشکوب اول از هر جانب بین ۵۰ تا ۸۰ سانتیمتر گسترده‌تر از فضای زیرین می‌باشد و آن به واسطه عقب نشستن دیوارها پس از تیرپوش سقف فضاهای ایجاد شده در سکوها می‌باشد.

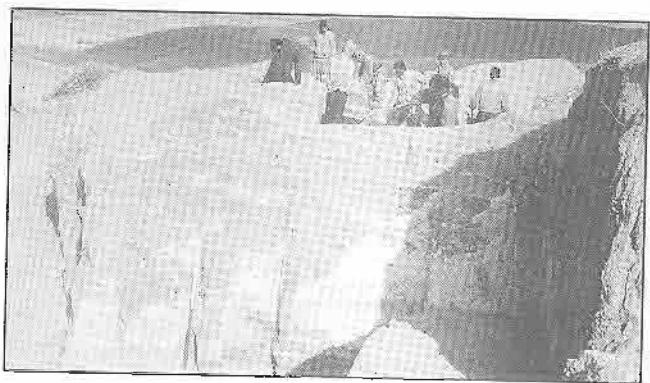
در ششمین اتاق، برای جلوگیری از تخریب دیوارها عملیات کاوش تا عمق دو متری ادامه پیدا کرد و ادامه آن موقوف به اعمال تدابیر حفاظتی در آینده گردید. قطر دیوار از جبهه شرقی این اتاق تا بر خارجی سکو که در مجاورت پله‌ها واقع شده ۷۰۰ سانتیمتر می‌باشد. همچنین از جبهه جنوبی تا بر خارجی آن که دیوار شمالی پله‌ها را تشکیل داده ۶۱۰ سانتیمتر می‌باشد. متأسفانه در شرایط کنونی اطلاعات ما در مورد جبهه شمالی این سکو ناچیز است و این فقط به واسطه انجام حفاریهای بی‌رویه و مخربی است که تحت عنوان حفاریهای تجارتي طی سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲ در این تپه صورت گرفته است (امیدوارم زمانی این فرصت پیش آید، تا واقعیت‌های فاش نشده از این حفاریها را براساس اسناد و مدارک موجود برای ثبت در تاریخچه باستان شناسی ایران منتشر سازم). دومین مسأله تخریبی است که در گذشته‌های دور و شاید در زمان برپایی قلعه صورت گرفته و دستیابی بر قسمت خارجی را در این جبهه مشکل ساخته است.



همان طور که قبلاً توضیح داده شد حیاط مکشوفه در قلعه زیویه دارای دو درگاه در اضلاع شرقی و غربی است. در مورد درگاه شرقی و پله‌ها و تأسیسات مجاور آن اجمالاً توضیح داده شد و اما درگاه غربی و تأسیسات مربوط به ارگ قلعه:

پس از خروج از حیاط بد سمت غرب محوطه‌ای با کف سنگنرش است که هر یک از اضلاع آن ۷۵۰ سانتیمتر بوده که از جانب غربی به یک ردیف پله با سنگهایی حجیم‌تر از پله‌های قبلی منتهی می‌شود. اگر چه اکنون تنها پنج ردیف از آن باقی مانده ولی شواهدی در دست است که باید پله‌ها تا بالاترین قسمت تپه ادامه داشته و با کمال تأسف باید گفت که این از آن قسمت‌هاست که جهالت و غارتگری جمعی از تخریب کنندگان میراث فرهنگی این مرز و بوم یکی از برجسته‌ترین آثار موجود در آستانه ادوار تاریخی در ایران را بی‌رحمانه به دست نابودی سپرده‌اند. صرفاً در اینجا به عنوان یادآوری باید گفت این ویرانی و چپاول با یاری مسنولین باستان‌شناسی ایران که در رأس آنها اندره گذار قرار داشته است صورت می‌گیرد، مدت هشت سال این گرانمایه یادگار و میراث نیاکان مردم این سرزمین به وحشیانه‌ترین صورت بدست ویرانی سپرده می‌شود و آثار منقول بد دست آمده از این محوطه روانه موزه‌ها و کلسیونهای دنیای می‌شود. به همین صورت این اشیاء موضوع بحث و بررسی در دو کتاب برای اندره گذار و رومن گیرشمن می‌شود و با کمال تأسف آنچه را عظیم جلوه گر می‌سازند قطعات عاج به دست آمده از این محوطه است نه معماری سترک و ولای آن!<sup>(۲)</sup>

سنگفرشی که در پای پله‌ها قرار دارد از سمت جنوب غربی به دیواری که مستقیم به صخره‌هایی که چون حصار جانب جنوبی قلعه را در میان گرفته، متصل می‌شود. احتمالاً این قسمت یکی از چشم اندازهای قلعه بوده که تمامی مناظر زیبایی را که در دامنه جنوبی تپه قرار گرفته در معرض دید ساکنین قلعه قرار داده است. قسمت شمالی این محوطه و همچنین در مسیر پله‌ها یکی از آن سکوهایی خشتی قرار گرفته است که قبلاً در مورد ساخت و ساز آنها توضیح داده شد. آنچه این قسمت را تشکیل داده، توده عظیمی از خشت و خاک می‌باشد که تختگاه میانی را به ارگ قلعه متصل می‌سازد، نمای خارجی از سمت حیاط و پله‌ها، یک ردیف سنگ است که به شکل منظم تا تأسیسات ساخته شده در بلندترین قسمت تپه ادامه پیدا می‌کند. این توده عظیم که ۳۴ متر طول و ۱۸ متر عرض دارد به صورت سکویی مطبق می‌باشد.



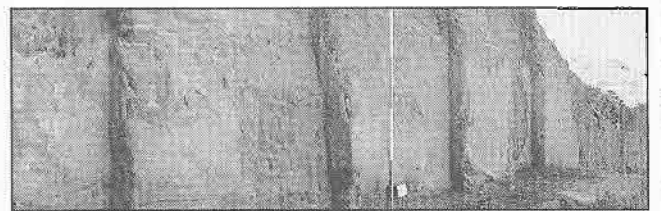
برای جلوگیری از ریزش خاک و تخریب سکو، جرزه‌هایی سنگی در امتداد خط شمال به جنوب و بر طبقه بالای سکو ساخته و کف آنرا چون سایر بخشها که محل رفت و آمد ساکنین قلعه بوده با سنگهای لاشه فرش کرده‌اند. در سطح به وجود آمده هیچ‌گونه ساخت و سازی صورت نگرفته است. ضمناً به این نکته باید اشاره شود که در تراشه S36 و در امتداد دیوار جنوبی اتاقها، ضمن کاوشهای سال ۱۳۵۶ در لابلای خشت‌ها و خاکهایی که در ساختمان سکو به کار رفته است قسمتی از یک ظرف ساخته شده از سنگ لاجورد به دست آمد که آنرا به شکل عقابی با بالهای گشوده ساخته‌اند. عقاب پنجه در لبه طرف افکنده و سر را که در عین حال دسته آنرا تشکیل داده به درون ظرف متمایل ساخته است. تلاش برای دستیابی بر بقیه آن ادامه پیدا کرد اما لایه‌های منظم خشت در این محوطه مانع از ادامه کار بود. از این رو کندوکاو در این بخش به بعد موقوف شد. در سال ۱۳۷۴ هنگامی که پس از تعطیل چندین ساله کاوش در زیویه محل مذکور در محدوده کار جدید هیأت قرار گرفت، کمی پایین‌تر از نقطه‌ای که شیعی مورد نظر کشف شده بود حفره دیگری بود که قطعات خرد شده‌ای از ظروف متعدد سفالی (البته همه ناقص و کسر دار) به دست آمد که در لابلای آنها چند قطعه عاج و تعدادی سر پیکان از شاخ بز و کل قرار داشت. بر روی عاجها پرنده‌ای به شکل باز و پای انسانی، بالدار (نینورته) به شکلی بسیار بدیع نقش بسته بود، همچنین قطعات بسیار کوچکی به شکل مرغی شکاری در حالت پرواز و قطعه عاجی مربوط به حاشیه یک صحنه به صورت دوایر زنجیرهای شکل و سه قطعه به شکل بیم دایره‌هایی ساده. دستیابی بر این آثار و زدودن آوار قسمتهای مرتفع ارگ از چهره سکوها این نتیجه حاصل آمد، همان‌طور که قبلاً هم عنوان شد سکوی مورد نظر دقیقاً از خشت همچون قسمتهای اصلی چیده نشده بلکه باید چند دیوار بین تختگاه دوم و ارگ قلعه کشیده و سپس درون آنها را با آواری که در قسمت‌های تخریب شده بنا بوده، پر ساخته‌اند که زمان آن باید بعد از سال ۶۵۰ یا ۶۵۵ پیش از میلاد باشد، چرا که احداث این سکو هم‌زمان است با ساختن جرزه دیواری که در تالار ستون دار و در قسمت جنوبی آن ساخته شده است. وجود این قطعات که مخصوصاً به شکلی ناقص و در لابلای زباله و خاک امروز از این محل به دست ما رسیده است این نظریه را به وجود آورد که این سکو باید پس از یک واقعه خاص که با تخریب قسمتی از بنای قلعه زیویه همراه بوده ساخته شده است. آوار حاصل از این تخریب هم در ساخت و ساز استحکامات جدید قلعه به کار می‌رود و به این شکل و صورت است که در لابلای این قسمت از معماری قلعه آثار و اشیائی به دست می‌آید.

برای روشن ساختن چگونگی ساخت و ساز و همچنین گستردگی این سکو و سکوی قدیمتر که اتاقهای توصیف شده را در خود جای داده ترانسه‌های O34 تا O39 مورد کاوش قرار می‌گیرد. هم‌چنین نتایج حاصل از کندوکاو در این قسمت دستیابی بر علت ساخت و ساز سکوی خشتی بین ارگ و تختگاه دوم است. قبل از آنکه سکوی فوق‌الذکر ساخته شود برای جلوگیری از ریزش دیوار شرقی ارگ پشت بندی ابتدا با طول ۱۴۰۰ و عرض ۱۸۰ سانتیمتر در وسط این دیوار کشیده می‌شود اما فشار حاصله به حدی است که چنین پشت بندی قادر به نگهداری دیوار نیست این بار توده عظیمی از خشت را به شکل پشت بندی با طول ۷۲۰ و عرض ۳۹۰ سانتیمتر در وسط پشت‌بند قبلی قرار می‌دهند که به صورتی موقت جلو رانش و تخریب ارگ گرفته می‌شود و به همین دلیل است که سکوی مطبق را با ارتفاعی حدود ۸ متر می‌سازند. در گوشه شمال شرقی نمای خارجی ارگ و دقیقاً در انتهای پشت بند اولیه حفره‌ای نمودار گردید که بیانگر چگونگی تخریب این بنا می‌باشد. این حفره در زیر سکو ایجاد شده و بیش از دو متر فرو رفته است. این فرو رفتن می‌تواند یکی از دلایل تخریب قلعه باشد. البته شاهد دیگری هم در دست است که قسمتهایی از بنا فرو نشسته و باعث ویرانی‌هایی در بنای زیویه شده است. که باید در این مورد به انتهای راهرو و پله‌ای که به تالار زیویه ختم می‌شود اشاره کرد در این محل هم پله‌ها بیش از دو متر فرو نشسته‌اند.

آثار تخریب و ویرانی در اتاقهای ارگ به خصوص در دیوارهای شرقی آنها مشاهده می‌شود. نکته‌ای که باید به آن اشاره شود این است که مصالح به کار رفته در سکو دقیقاً همان خشتی است که در ساخت و ساز اولیه دیده می‌شود، به این شکل که نه تغییری در ابعاد خشت داده شده و نه در جنس و رنگ خاک تفاوتی مشاهده می‌گردد.

\* \* \*

دیوار چینی‌مای سجاور با منقره‌های جنوری



جرزه دیوار ساخته شده در تالار



اکنون بر ما پوشیده است که پله‌ها در ترانشه‌های S و T33 چه شکل و صورتی داشته‌اند و مسیر آنها اگر به همان شکل مستقیم که از کف سنگی بعد از حیاط آغاز شده ادامه پیدا کرده باشد، پس از ۴۳۰ سانتیمتر بالا آمدن از کف فوق دیوار ارگ مقابل پله قرار می‌گیرد و صرفاً معبر باریکی برای تردد به داخل ارگ باقی می‌ماند. احتمالاً باید پله‌ها به سمت صخره‌های جنوبی که فاصله چندانی هم با این دیوار ندارد گسترش یافته باشند. انتهای این مسیر دارای شیبی بسیار تند شده است که چهار متر ارتفاع و هشت متر طول دارد. در اینجا بر خلاف قسمتهای تحتانی، سطح پله‌ها باید نسبتاً کم بوده باشد چنانچه ارتفاع پله‌ها را حدود ۲۵ سانتیمتر که ارتفاع متوسط و معمول در پله‌های زیویه است در این محل به کار رفته باشد شانزده عدد پله باید در این مسیر ساخته شده باشد تا به پاگرد جلو درگاه متصل شود. مراحل بعدی این بنا در گزارش قبلی آمده است.

آنچه در اینجا قابل ذکر است ادامه کندوکاوی است که در دیوار شرقی تالار صورت گرفته. در اینجا معلوم شد که ورودیه اولیه تالار باید در قسمت شمالی و از طریق راهرویی که در قسمت شرقی آن است ساخته شده باشد. ولی در مرحله بعد، هنگام ساخت پشت‌بندی به صورت جرز دیوار در جلو دیوار جنوبی، ورودیه‌ای را هم در جنوب شرقی تالار گشوده‌اند. بقایای دیوار اولیه در زیر سنگهای کف این درگاه کاملاً محفوظ مانده است. بر روی دیوار جنوبی تالار و همجوار با ورودیه مورد بحث، طاقچه و شاید طاقچه‌هایی ساخته شده که تعدادی از آنها در پشت جرز دیوار ساخته شده در این سواز نظر مخفی شده است. طول آنها ۱۱۰ و ارتفاع آنها تا روی کف ۱۴۰ سانتیمتر است. دور آنها با خطوط سیاه و سفید نقاشی شده است. این دو نوع رنگ و شکل نقاشی بر اساس نشانه‌های به دست آمده در تمامی تأسیسات مربوط به ارگ قلعه دیده می‌شود.

در انتهای ضلع غربی دیوار افزوده (جزو دیوار) و در جلو دیوار سراسری جنوبی، صخره‌ای است که ۵۵۰ سانتیمتر از آن را همسطح با این دیوار تراشیده و سپس آن را همسان دیوار خشتی با اندودی از خاک سفید پوشانیده‌اند. کندوکاو در جلو دیوار سنگی منجر به کشف نخستین کف در تالار گردید. این کف نزدیک به ۶۰ سانتیمتر پایین‌تر از کف

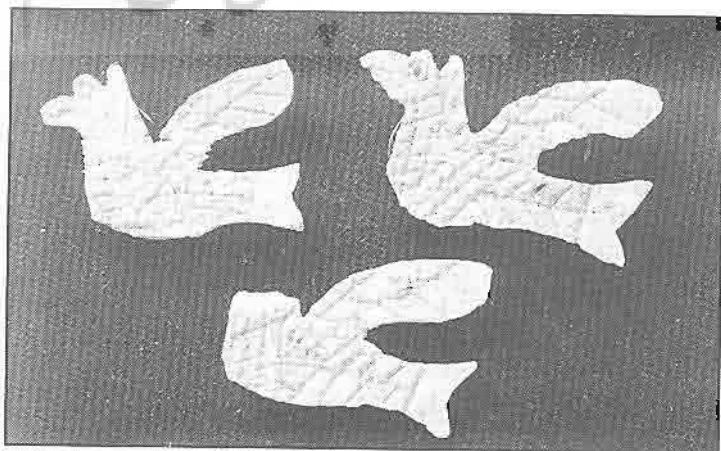
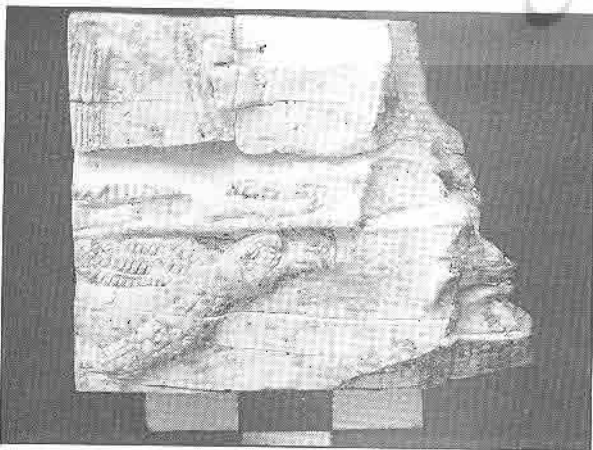
بعدی قرار گرفته و بالا آوردن کف فعلی همزمان با تعمیرات انجام شده در تالار صورت می‌گیرد. مجموعاً تالار دارای شانزده پایه ستون بوده که چهار عدد آن از گذشته‌های دور تا انجام حفاریهای تجارتي از جای خود برداشته شده است. این ستونها عبارتند از شماره‌های ۴ و ۵ از ردیف جنوبی و ۳ و ۴ از ردیف شمالی تالار. طول سراسری تالار از دیوار شرقی تا دیوار غربی ۴۸ متر و عرض موجود آن ۲۳ متر است. دیوار قطوری با عرض ۹۰۰ سانتیمتر از جبهه غربی، تالار را محدود می‌سازد. حفاریهای تجارتي خسارات جبران ناپذیری را بر این قسمت وارد ساخته و سُردرگمی خاصی را به وجود آورده، تمامی شواهد و مدارک زنده از معماری والای ماننای و مادی را از میان برداشته‌اند. به راستی معلوم نیست بکه تالار در این جبهه به چه شکل و صورت با سایر تأسیسات که در غرب آن قرار گرفته پیوند خورده و یا مرتبط گشته‌اند.

وجود اتاقی با ابعاد ۵۰۰×۴۸۰ سانتیمتر در جنوب غربی این تالار و بقایای پله‌ای در جنوب شرقی این اتاق که بر سطح صخره‌های جنوبی ساخته شده این گمان را به وجود می‌آورد که راهی از این مسیر به تالار گشوده بوده است. شاید کاوشهای آینده به این سردرگمی به شکلی پایان بدهد! ضلع شمالی اتاق مجاور با تالار با شش بریدگی، درگاهی را با عرض ۱۳۰ سانتیمتر ایجاد کرده است. احتمالاً از این فضا به عنوان کارگاه ساخت مهره‌های کجی استفاده شده باشد.

### سفال زیویه:

سفالهای زیویه به پنج دسته طبقه بندی می‌شود:

(۱) ابتدایی‌ترین نوع سفال در زیویه، سفالی است خشن و دست ساز که حتماً در خود محل ساخته و شکل گرفته است. در ساختمان آن از دانه‌های شن جهت استحکام بخشی و جلوگیری از ترک خوردگی استفاده شده و گاه به صورتی ناقص در کوره حرارت داده شده به طوری که لایه‌ای از غشا خارجی آن آجری یا مغزی خاکستری از کوره خارج شده است. البته قسمتی از این حجمها در اثر حرارتی که در زمانی نسبتاً طولانی و خارج از کوره به آنها داده شده پخته و به سفال تبدیل شده‌اند. این گونه حجمها را پید سوزها و بوته‌های ریخته‌گری و زرگری تشکیل می‌دهد (صفحه اول) مغز این گونه سفال دارای خلل و فرج با سطحی



نسبتاً ناهموار می‌باشند. وجود بوته‌ها دال بر وجود کارگاههایی شامل زرگری و همچنین ریخته‌گری برای ساخت آلات و ابزار حرب (پیکان، سرنیزه و ...) بوده است. دومین دسته سفالی است چرخ ساز یا بدنه‌ای نسبتاً قطور و بدون پوشش و در پخت و پز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این نوع از سفال را ظروف کاسه و بشقاب مانند و یا حجمهایی تشکیل می‌دهد که دارای بدنه‌ای مدور بوده و قسمت فوقانی آن جمع شده و شکلی دیزی مانند پیدا کرده‌اند. در خمیره آنها شنی قابل رویت به کار رفته است و پس از شکل‌گیری هیچ‌گونه کاری جهت صاف شدن جدار خارجی و یا داخلی بر روی آنها صورت نگرفته و پوششی بر روی آنها به وجود نیآورده‌اند.

گل به کار رفته با دقت ورز داده شده و در حرارتی مناسب قرار گرفته است. رنگ این دسته از نخودی مایل به صورتی تا قهوه‌ای سوخته و یا خاکستری مایل به قهوه‌ای متغیر است. سفالهای به دست آمده از این دسته غالباً دوده گرفته بوده و حرارت‌های ثانوی تغییراتی در رنگ آنها به وجود آورده است. همچنین قسمتهای تحتانی از جدار داخلی آنها رنگ اصلی را از دست داده و غالباً تیره‌تر شده‌اند.

(طرح‌های صفحه دوم و سوم دسته الف)

سومین دسته از سفال زیویه به نوعی اختصاص پیدا می‌کند که در گل آن شنی نسبتاً نرم به کار رفته و خوب ورز داده شده است، به طوری که مغز این دسته از سفال بسیار متراکم بوده و طبیعتاً بسیار محکم و دارای جرمی نسبتاً سنگین می‌باشند. برخلاف سفال قبلی جدار خارجی آن کاملاً هموار و یکدست می‌باشند، ولی سطح آن صیقلی و شفاف نشده است. این ظروف شامل انواع کاسه و ظروف کوزه مانند است که دسته‌هایی در زیر دهانه و یا در انتهای گردن دارند.

و فرم‌گیری آنها بر روی چرخ صورت گرفته است.

چهارمین دسته از سفال زیویه را ظروفی با بدنه‌ای نسبتاً ضخیم تشکیل می‌دهد که در خمیره آنها شنی قابل رویت به کار رفته و از پختی خوب برخوردار می‌باشند. با آنکه مجموعه این دسته را ظروفی با حجم بالا تشکیل می‌دهد ولی بدنه آنها در پوششی نازک از گلی بسیار نرم پوشیده شده و کمی هم صیقلی و صاف شده‌اند. اما ظرافت این پوشش به اندازه‌ای است که در بعضی قسمت‌ها از بدنه اصلی جدا شده و ریختگی پیدا کرده است. (صفحه ۲ و ۳ گروه ج) رنگ این سفال از نخودی روشن تا آجری مایل به اخرائی می‌باشد.

پنجمین دسته که متنوع‌ترین نوع سفال در زیویه بوده شامل شکلهای مختلفی از ظروف کاسه و کوزه مانند بوده و همچنین از ظریفترین بدنه تا ظروفی با بدنه‌ای قطور را شامل می‌شوند. بدنه آنها در قشری از گل نرم پوشیده شده و برخلاف پوشش سفال نوع چهارم که یکپارچگی خاصی را با قسمت اصلی به وجود آورده‌اند در حرارتی مناسب سفال پخته شده است (صفحه ۴ و ۵) - گروه الف با رنگ خاکستری روشن، گروه ب با رنگ نخودی و گروه ج با رنگ اخرائی می‌باشند.

ششم، قطعاتی بسیار اندک از نوعی سفال در زیویه به دست آمده که

غالباً بدنه ظروف را با نقوشی کنده به صورت نوارهای کمربندی، زنجیره‌ای، نقوش موج مانند مثلتهای هاشور زده و ... تزیین شده‌اند. اما خود سفال پدیده‌ای است بسیار نادر و شاید این زیویه است که چنین سفالی را تاکنون توانسته است معرفی کند. در خمیره سفال، شنی بسیار نرم به کار رفته و گلی صاف و یکدست را به وجود آورده‌اند و پوششی یک پارچه تمامی بدنه را پوشانیده است. فرق اساسی این دسته با سایر انواع سفال در زیویه صیقل پذیری آن می‌باشد. سطح سفال تا بدان اندازه پرداخت شده که غشاء خارجی آن به گونه‌ای است که این توهم را در بیننده به وجود می‌آورد، شاید لعابی شفاف بر بدنه ظرف نشانده شده باشد. نقوش شکل گرفته بر بدنه این دسته از ظروف زیویه عموماً پس از پرداخت نهایی و با وسیله‌ای بسیار ظریف و نوک تیز انجام شده است. از این گونه سفال دو عدد ظرف از گورستان چنگبار به دست آمده که اولی لیوانی است با کفی محدب، دهانه برگشته به خارج و میانه‌ای جمع شده به داخل با رنگی آجری و دیگری ظرفی است کوچک، گلدان مانند با رنگ نخودی. دو قطعه هم از ایوان مکشوفه به دست آمد. این قطعات اولی به کاسه‌ای نخودی با حجم بزرگ تعلق پیدا می‌کند و دیگری قسمتی از گردن و دهانه کوزه‌ای به رنگ آجری.

به طور کلی سفال زیویه از نظر شکل ظاهر با گودین تپه لایه دوم، نوشیجان و حسنلو، همچنین پارهای از سفالهای مکشوفه از لرستان قرن هفتم و اوایل هشتم پیش از میلاد قابل مقایسه می‌باشد.

#### پانوشته‌ها:

۱- مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد ۱، ص ۳۲۰.

2- R. Ghirshman., TombePrinciére de Ziwiye, Paris 1979.

- Andre Godard., "L'etresor de Ziwiye (Kurdistan), Jon-Eusch en Zonen Haritem 1950.

۱- جبهه شمالی از تپه زیویه (بالا قسمت کاوش شده ارگ).

۲- ورودی شرقی حیاط و پله‌های مجاور آن.

۳- پله‌ها و یکی از پایه ستونها.

۴- محوطه کاوش شده در تختگاه میانی (حیاط مرکزی با درگاهها و محوطه جلو پله‌ها و سکوی مطبق با نمای سنگی).

۵- یکی از اتاقهای ساخته شده در سکوی ارگ قلعه (شکستگی دیوار در اثر فشارهای وارده از قسمت فوقانی بنا).

۶- سکوی مطبق با نمایش دیوارهای سنگی.

۷- پله‌های مجاور تالار ستون دار.

۸- کف سنگی تالار ستون دار و دیوار دوره اول زیویه در زیر آن.

۹- تاقچه‌های تالار ستون دار.

۱۰- قسمتی از دیوار سنگی تالار ستون دار.

۱۱- جرز و دیوار جبهه جنوبی تالار ستون دار.

۱۲- اتاق مجاور تالار ستون دار که به شکل جرزهای مکرر ساخته شده است.

۱۳- پله‌های قسمت غربی زیویه ساخته شده بر روی صخره‌های جنوبی بنا.

۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - عاجهای مکشوفه از زیویه.